

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال سوم، شماره ۹، تابستان ۱۳۹۸
صفحات: ۱۵۴-۱۳۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۴؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۴/۲۲

ماهیت حقوقی - سیاسی خروج آمریکا از برجام

اکرم صالحی* / دکتر محمدرضا دهشیری** / دکتر رحمت حاجی مینه***

چکیده

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) یکی از اتفاقات حقوقی و بین‌المللی مهم در تاریخ روابط بین‌الملل در حوزه علوم و فناوری هسته‌ای محسوب می‌شود. در پی امضای این سند، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به تصویب رسید که بر اساس آن، تحریم‌های قبلی شورای امنیت لغو شد و کشورهای امضاکننده برجام، موظف به اجرای کامل تعهدات مندرج در آن شدند. اما طولی نکشید که ریاست جمهوری جدید آمریکا دونالد ترامپ علی‌رغم پایبندی اروپایی‌ها به برجام ناسازگاری خود با توافق چند جانبه بین‌المللی هسته‌ای ایران را آشکار ساخت و در نهایت در ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ دولت ایالات متحده آمریکا رسماً از برجام خارج و بازگشت تحریم‌ها به صورت گذشته را اعلام نمود. از این رو این پژوهش در صدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که تبعات سیاسی - حقوقی خروج آمریکا از برجام چیست؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرد که علی‌رغم این که دولت ایالات متحده آمریکا اصرار دارد که برجام یک معاهده بین‌المللی نیست متعاقب تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سند برجام یک موافقت‌نامه بین‌المللی است و خروج آمریکا از برجام هرچند با توجه به ماهیت حقوقی آن تحت عنوان موافقت‌نامه چند جانبه، پیامد حقوقی الزام‌آوری ندارد ولی به لحاظ سیاسی اعتبار و جایگاه آمریکا را در نظام بین‌الملل کاهش می‌دهد.

کلید واژه‌ها

برجام، حقوق بین‌الملل، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، موافقت‌نامه سیاسی، دونالد ترامپ.

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. asalehi82@yahoo.com

** دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

hajrahmat@gmail.com

*** استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران.

مقدمه

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با توافق نهایی وزرای امور خارجه ۱+۵ و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) به امضا رسید. به منظور تحکیم پایه‌های عملی و ضمانت اجرایی این توافق، شورای امنیت سازمان ملل متحد طی جلسه ۷۴۸۸ خود، قطعنامه ۲۲۳۱ را در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴ (۲۰ جولای ۲۰۱۵) به تصویب رسانده و از کشورهای امضا کننده برجام خواست تا در اجرای تعهدات خود کوشا باشند و کلیه قطعنامه‌های قبلی تحریم علیه ایران لغو گردید.

با این حال، مسیر همکاری کشورهای امضا کننده برجام از همان آغاز، مسیری سهل و هموار نبود. بدعهدی‌ها مبتنی بر عدم حسن نیت از سوی طرفهای غربی و بویژه آمریکا در ماههای پس از اجرایی شدن برجام، به دفعات مورد اعتراض مقامات ایرانی قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران در ماه‌های منتهی به پایان دوره ریاست جمهوری باراک اوباما، با انجام مذاکرات متعدد، تلاش نمود تا طرفهای غربی متعهد برجام را نسبت به برخی اقدامات و تصمیمات طرف آمریکایی و اتحادیه اروپا که به نوعی در تعارض با حسن نیت در اجرای تعهدات بین المللی برجام بود، آگاه سازد.

اقداماتی نظیر تمدید ۱۰ ساله قانون تحریم‌های ضد ایرانی توسط مجلس نمایندگان آمریکا و مصوبه مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ هشتم دسامبر ۲۰۱۵ (۱۷ آذر ۱۳۹۴) مبنی بر اعمال محدودیت‌های جدید برای ورود به آمریکا توسط شهروندان کشورهای ثالثی که به ایران رفت و آمد دارند، بخشی از اقداماتی بودند که دولت آمریکا پس از امضای برجام انجام داد که سنخیتی با حسن نیت در اجرای این توافق بین‌المللی نداشته و مورد شکایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

در واکنش به اعتراضات جمهوری اسلامی ایران نسبت به این شیوه نادرست و اقدامات غیرسازنده طرف آمریکایی و پیگیری روش‌های پیش بینی شده در برجام برای رفع اختلافات ناشی از اجرای برجام، کاخ سفید در ابتدا بطور مکرر بر پابندی این کشور به برجام و ضرورت پاسداشت این تعهد بین‌المللی تاکید می‌کرد.

جابجایی باراک اوباما با دونالد ترامپ، اما موضوع را وارد مرحله جدید نمود. با تغییر تیم کاخ سفید، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در ادامه انتقادات دوران مبارزات انتخاباتی خود، تلاش زیادی کرد تا اعتبار بین‌المللی برجام را زیر سؤال ببرد. او با اعمال محدودیتها و

تحریم‌های متناقض با برجام، تلاش نمود تا روح برجام را از درون تهی نموده و کوشید تا جایگاه یک توافق بین‌المللی چند جانبه‌ای که با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز ضمانت اجرای بین‌المللی یافته است را تا مرحله یک تعهد دو جانبه بین ایران و آمریکا، کاهش داده و نهایتاً اعلام فسخ یک طرفه این تعهد دو جانبه را اعلام نماید.

در این خصوص، سؤال این است که تبعات سیاسی حقوقی خروج آمریکا از برجام چیست؟ از این رو در این مقاله کوشش می‌شود تا با بیان ماهیت حقوقی سند برجام و روشن سازی مبنای اصلی این سند که عبارت از تعهد به همکاری است، ماهیت این سند را از منظر حقوق بین‌الملل معاهدات مشخص نموده و سپس تبعات حقوقی - سیاسی خروج اعضا را بیان نماییم. در این راستا، این پژوهش با روشی توصیفی تحلیلی و رویکردی حقوقی انجام خواهد شد.

موافقان و مخالفان برجام

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) یکی از اتفاقات حقوقی و بین‌المللی مهم قرن بیست و یکم در حوزه علوم و فناوری هسته‌ای محسوب می‌شود. این توافق بین‌المللی که نتیجه ۲۲ ماه مذاکرات رسمی و فشرده بود، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (برابر با ۱۴ جولای ۲۰۱۵) مابین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ در شهر وین منعقد و در ۲۶ دی ۱۳۹۴ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) اجرایی شد (رضایی، ۱۳۹۵: ۱). در خصوص ماهیت این سند بین حقوقدانان و دولتمردان اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از حقوق دانان معتقدند برجام موافقت نامه حقوقی یا معاهده نیست و نمی‌تواند آثار حقوقی معاهده را داشته باشد. شکل برجام، ماهیت مقررات آن و موازین حقوق بین‌المللی معاهدات مؤید این ادعاست (Ardani, 2016: 82).

در مقابل، گروه دیگری از حقوق دانان بر این نظرند که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل و موازین حقوق ملی ایران، برجام معاهده بوده و در چارچوب اصل ۷۷ قانون اساسی مستلزم تصویب مجلس شورای اسلامی است (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۱۶). بر اساس دیدگاه اخیر، مطابق نظام حقوقی ایران، هر سندی که متضمن تعهد بین‌المللی برای دولت ایران باشد، معاهده است و اینکه چه عنوانی دارد، مؤثر در مقام نیست. مفاد برجام متضمن تعهدات حقوقی برای کشور بوده و معاهده محسوب می‌شود (رضایی، ۱۳۹۵: ۱).

برجام چه معاهده باشد یا نباشد، توافق بین‌المللی با تعهدات مشخص برای طرفین است که می‌بایست ایفا گردند. از همان ابتدا، این توافق بین‌المللی در هر دو طرف ایران و طرفهای

خارجی موافقان و مخالفان خاص خود را داشته است. در ایران، برخی از مخالفان، برجام را به معاهده ترکمنچای در قرن نوزده تشبیه کرده و آن را عامل از دست رفتن استقلال و عزت ملی دانستند که سبب نفرین نسلها خواهد شد (خبرگزاری پارسینه، ۱۳۹۴/۱/۲۶). برخی از مخالفان نیز «برجام را عجزه زشتی دانستند که هر چه برای آرایش و زیباییش تلاش کنید معایب و زشتیهایش بیشتر نمایان می‌شود» (رسایی، نامه نیوز، ۱۳۹۵/۲/۱۵).

در مقابل، موافقان برجام را مایه عزت و سربلندی و حفظ استقلال کشور و برطرف کننده سایه تهدید و زیاده خواهی برخی کشورها، رفع کننده تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی و تثبیت و شناسایی حقوق هسته‌ای ایران توصیف کردند (عراقچی، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵/۳/۲۱).

برجام در خارج از ایران نیز موافقان و مخالفانی داشته است. بیشتر کشورها از انعقاد برجام استقبال کرده و آن را افتخار دیپلماسی بین‌المللی و تقویت کننده صلح و امنیت جهانی قلمداد کردند. برخی نیز چون رژیم اسرائیل، برجام را محکوم و آن را زمینه دسترسی آتی ایران به تسلیحات هسته‌ای دانستند.

در آمریکا، کلیت جمهوری خواهان با برجام مخالفت کرده و آن را شکستی برای آمریکا و هم پیمانان آن دانستند. در مقابل، دمکرات‌ها آن را پیروزی مهم آمریکا در عرصه دیپلماسی و مهار برنامه هسته‌ای ایران عنوان کردند (New York Times, 14 July 2014).

برجام در نهایت توسط دولت‌های ایجاد کننده آن تصویب و در فاصله کوتاهی اجرایی شد. همانند بسیاری دیگر از توافقات بین‌المللی، برجام برای طرفهای خود متضمن حقوق و امتیازات از یک سو و تعهد و محدودیت‌ها از سوی دیگر است. حقوق و امتیازات ناشی از برجام برای ایران، موفقیت‌ها و دستاوردهای این توافق بین‌المللی برای کشور به شمار می‌آید. این دستاوردها در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، بین‌المللی و حقوقی موضوعیت یافته و تا کنون بخشی از اثرات عینی خود را بر جا گذاشته است.

تعهدات بین‌المللی برجام

ویژگیهای حقوقی برجام چیست؟ این سؤال روشنگر ابعاد حقوقی و الزام آور تعهدات موجود در آن و تبعات نقض‌های احتمالی مفاد آن از سوی طرفهای امضاکننده و مسئولیت‌های بین‌المللی این کشورها و سایر اعضای ملل متحد می‌باشد.

آنچه که از ماهیت این سند بین المللی و جریان مذاکرات نه چندان مختصر طرفهای این سند مشخص می‌گردد اینکه اساس ماهیت برجام، تاکید بر یک "تعهد جامع همکاری" جهت رفع نگرانی‌های مربوط به فعالیتهای هسته‌ای ایران از سویی و دستیابی جمهوری اسلامی ایران بر حقوق متعدد شناسایی شده بین المللی نظیر "حق بر توسعه"، "حق بر تجارت آزاد" و "حق بر خورداری از روابط اقتصادی و سیاسی با تمامی کشورها از سوی دیگر می‌باشد (دلخوش، ۱۳۹۶، ۵۵).

در بخش "مقدمه و مقررات کلی" برجام بندهم، طرفهای امضا کننده این سند، بر تعهد به همکاری متقابل در خصوص مصارف صلح آمیز انرژی هسته‌ای، تصریح نموده‌اند. "اتحادیه اروپایی، کشورهای گروه ۵+۱ و ایران در چارچوب این برجام، به نحو مقتضی در زمینه مصارف صلح آمیز انرژی هسته‌ای همکاری کرده و در طرح‌های مربوط به همکاری‌های هسته‌ای صلح آمیز که مشترکاً توسط طرفین تعیین می‌شوند، آنگونه که به تفصیل در ضمیمه ۳ آمده، از جمله از طریق مشارکت آژانس، تعامل خواهند نمود". (سند برجام، ۴).

همچنین کشورهای ۵+۱ و اتحادیه اروپا در بیانیه کشورهای فرانسه، آلمان، انگلیس، آمریکا و نماینده عالی اتحادیه اروپا در خصوص سیاست امنیتی و تجارت با ایران در دوران پسابرجام ضمن تاکید بر آمادگی کشورهای مزبور به همکاری با ایران در جهت توسعه اقتصادی و صنعتی تاکید نمودند (<https://eeas.europa.eu>).

به طور کلی بنای اصلی حقوق بین الملل، مبتنی بر اصل همکاری بین دولت‌هاست چرا که پایه و شالوده تعهدات بین المللی در پیوند جامعه شناختی و رابطه متقابل میان بازیگران اصلی نظام بین الملل قرار گرفته است.

منشور ملل متحد در ماده ۱، ضمن تاکید بر اینکه حفظ صلح و امنیت بین المللی از اهداف اصلی ملل متحد است، بر لزوم حل و فصل اختلافات بین المللی دولت‌ها طبق "اصول عدالت و حقوق بین الملل" در برابر "ملاحظات و منافع حاکمیتی دولت‌ها"، تصریح نموده است. "ماده ۱: مقاصد ملل متحد به قرار زیر است:

۱. حفظ صلح و امنیت بین المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هر گونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین المللی یا

وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت آمیز و منطبق بر اصول عدالت و حقوق بین الملل.

۲. توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی.

۳. حصول همکاری بین المللی در حل مسائل بین المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستانه است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب.

۴. بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل جهت حصول این هدف‌های مشترک معمول می‌دارند."

منشور، در این رابطه و در بیان اهداف و مقررات الزام آور اعضای ملل متحد، به دفعات از همکاری اعضا" و "تشریک مساعی به یکدیگر در دستیابی به اهداف ملل متحد و در رأس آنها، صلح و امنیت بین المللی و توسعه و ثبات برای ملتها، سخن رانده است. در مقدمه منشور این گونه آمده است که: ما مردم ملل متحد مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد با یکدیگر "تشریک مساعی" نمائیم.

ماده ۴۹ منشور، اعضای ملل متحد را در اجرای تصمیمات متخذه از سوی شورای امنیت، متعهد به تشریک مساعی و همکاری" نموده است.

"ماده ۴۹: اعضای ملل متحد در دادن کمک متقابل به یکدیگر برای اجرای تصمیمات متخذه از طرف شورای امنیت تشریک مساعی خواهند کرد."

حقوق معاهدات بین المللی

از زمان تغییر جهت موضوع فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران از آژانس بین المللی انرژی هسته‌ای به سمت شورای امنیت سازمان ملل، پیوسته این سؤال مطرح بوده است که اساساً سرنوشت مباحث حول فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران به چه طریقی به کانال تخصصی و اصلی خود بازخواهد گشت. این انتظار، در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ و در شهر وین به پایان رسید. در این روز وزرای خارجه ۵+۱ به همراه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، بر سر متنی با جمهوری اسلامی ایران توافق نمودند که بدلیل ترسیم چارچوبهای همکاری مشترک، «برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) نام گرفت.

سؤالی که بلافاصله پس از رونمایی از برجام در عرصه بین‌المللی و بویژه ایران مطرح شد، ویژگی حقوقی برجام از منظر حقوق معاهدات بین‌المللی بود. سؤال از این جهت مهم بود که آیا الزامی شدن اجرای برجام نیازمند چکش تصویب مجلس شورای اسلامی ایران خواهد بود و آیا اساساً این سند یک معاهده بین‌المللی آنگونه که در ادبیات حقوق معاهدات بین‌المللی مطرح است به حساب می‌آید؟

حقوق بین‌الملل در مورد نحوه انعقاد معاهدات بین‌المللی، دارای رژیم خاصی است که این رژیم در چارچوب معاهده ۱۹۶۹ وین، بیان گردیده و برخی از مفاد آن نیز علاوه بر جنبه معاهده‌ای، ویژگی عرفی بخود گرفته است. بر اساس ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، معاهده عبارتست از توافقی که به صورت مکتوب میان دولتها و تحت حقوق بین‌المللی منعقد شده باشد اعم از اینکه در یک و یا چند سند باشد و فارغ از اینکه چه نامی دارد. بر اساس این ماده و فرض بر اینکه برجام یک معاهده بین‌المللی باشد، لازم است تا طرفهای متعاقد، مقدمات و مراحل انعقاد یک معاهده را طی کرده باشند. لازمه انعقاد یک معاهده رسمی بین‌المللی بر اساس مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۷ معاهده ۱۹۶۹ وین، طی پنج مرحله مذاکره، نگارش، پاراف، تصویب و مبادله سند است.

در صورتی که برجام مطابق کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین، یک معاهده بین‌المللی باشد، لازم بود تا مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و پس از تصویب مجلس و اعلام عدم مغایرت آن با شرع مقدس اسلام و قانون اساسی در شورای نگهبان، مطابق اصل ۱۲۵ قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور امضا شود. این در حالی است که برجام، نه مرحله تصویب در مجلس شورای اسلامی را گذرانده و نه اساساً موضوع هسته‌ای ایران در دایره مسئولیت‌های مجلس قرار داشته است و در همان زمان معاون حقوقی رئیس‌جمهور نیز تاکید نمود که متن برجام یک معاهده نمی‌باشد و از این منظر نیازمند تصویب مجلس طی روند قانونی طبق قانون اساسی نیست (دلخوش، ۱۳۹۶: ۱۰-۸).

موافقت مقام معظم رهبری در خصوص بررسی برجام توسط مجلس شورای اسلامی، از منظر اجرای اصل ۷۱ قانون اساسی بوده است و به همین دلیل نیز برجام امضا شده در تیرماه ۱۳۹۴ در وین، علی‌رغم مباحث تخصصی و مفصلی که در کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس شورای اسلامی داشت، جهت تصویب به صحن علنی ارائه نگردید.

به همین نحو، سایر طرفهای برجام نیز، این سند را بی نیاز از اخذ مصوبه پارلمان‌های خود محسوب نمودند، که این امر نیز موید این نکته می‌باشد که برداشت و تفسیر طرفهای برجام، خارج بودن این سند از دایره ترسیم شده توسط معاهده ۱۹۶۹ حقوق معاهدات است.

مقامات آمریکایی به صورت رسمی و در جلسات استماع و همچنین در مکاتبات خود، سند برجام را در دسته تعهدات سیاسی تعریف کرده‌اند. چین و روسیه فقط از زاویه شورای امنیت به سند برجام نگاه کرده و آن را سند بین‌المللی نمی‌دانند. اتحادیه اروپا نیز این سند را یک توافق سیاسی می‌داند و در کل هیچ یک از طرفهای جمهوری اسلامی ایران در برجام حاضر نشده‌اند نوعی وصله حقوقی الزام آور به سند برجام، پیوست کنند، حتی در نگارش سند نیز فعلهای به کار رفته بر اساس توافقات نزاکتی و سیاسی آمریکا تنظیم شده است (سادات میدانی، ۱۳۹۴: ۱). توجه به نحوه برخورد حقوق داخلی سایر طرفهای متعاقد برجام با این سند از آن جهت اهمیت دارد که اساساً، قصد و نیت طرفهای یک سند بین‌المللی، در تعیین ماهیت آن سند، نقش تعیین‌کننده‌ای را دارد. هیچ یک از طرفهای برجام، در مورد الزام آور بودن حقوقی و وجود مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض برجام، سخنی نگفته‌اند.

وانگهی، بیانیه سیاسی جمهوری اسلامی ایران که حین تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ به عنوان سند شورای امنیت به ثبت رسیده است مبین این نکته می‌باشد که سند برجام، بخشی از بسته سیاسی قول و قرارهایی است که در یک فرایند سیاسی مورد پذیرش قرار گرفته است. در بند پنجم بیانیه سیاسی ایران آمده که جمهوری اسلامی ایران تاکید می‌کند که این تعهدات، داوطلبانه بوده و اجرای آنها منوط به حسن نیت طرف مقابل، خواهد بود.

نتیجه آنکه قصد طرفین در برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام بر آن بوده است که این سند حاوی یک توافق جامع سیاسی با ضمانت اجراهای سیاسی باشد. البته همین ضمانت اجراهای سیاسی نیز بر اساس اعتماد نسبی شکل گرفته میان طرفین توانست به صدور قطعنامه شورای امنیت برای لغو شش قطعنامه دیگری که علیه ایران صادر شده بود و نیز دستور لغو تحریم‌های یکجانبه آمریکا توسط رئیس‌جمهور و همچنین لغو تحریم‌های اتحادیه اروپا گردد (دلخوش، ۱۳۹۶: ۱۱).

قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد در سلسله قطعنامه‌های تحریمی خود درباره برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۰ چنین تصمیم گرفت که ایران را از انجام هرگونه فعالیت مرتبط با موشک‌های بالستیک که قادر به حمل سلاح هسته‌ای هستند، منع کند. با انعقاد برجام در سال ۲۰۱۵ و قطعنامه متعاقب آن به شماره ۲۲۳۱، شورای امنیت تغییراتی را در این مورد به خصوص انجام داد، بدین گونه که بیان الزام آور قطعنامه ۱۹۲۹ به لحنی غیر الزام آور تبدیل شد و حذف و اضافاتی در مقرره مربوطه صورت گرفت. از جمله اینکه، عبارت «توسل به هر ابزاری برای ممانعت از انتقال فناوری یا کمک فنی» درخصوص این موشک‌ها حذف شد؛ عبارتی که به تعبیر برخی صاحب نظران مجوز توسل به زور علیه چنین انتقالی را فراهم می‌کرد. از طرفی دیگر، حتی جایگاه این مقرره نیز دچار تحول و از چارچوب متن اصلی قطعنامه ۱۹۲۹ به پیوست دوم قطعنامه ۲۲۳۱ منتقل شد (صوری، ۱۳۹۵: ۱۴۰).

در واقع سندی همچون قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را می‌توان جزو اسناد کم سابقه و حتی بی سابقه بین المللی دانست، زیرا با آنکه قطعنامه‌های سابق شورای امنیت، ذیل فصل هفتم صادر شده است، این قطعنامه که رافع آثار قطعنامه‌های قبلی است ذیل هیچیک از فصول ششم و هفتم از منشور ملل متحد تصویب نشده و فقط در آن به ماده ۲۵ منشور اشاره شده است. این ماده به قدرت اجرایی و لازم الاجرا بودن تصمیمات شورای امنیت اشاره می‌کند. "ماده ۲۵: اعضاء ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند".

درواقع به موجب این ماده از منشور ملل متحد، دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که تصمیمات شورای امنیت را بپذیرند و اجرا کنند. به نظر می‌رسد که استناد نکردن به فصل هفتم منشور به منظور پاسخ به خواسته‌های دولت ایران بوده است، از طرف دیگر، اشاره به ماده ۲۵ منشور دلالت بر آن دارد که این قطعنامه لازم الاتباع است (ملاً کریمی، جلالی، رئیسی، ۱۳۹۶: ۹). بنابراین یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این قطعنامه با قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت اشاره نکردن صریح به فصل هفتم است.

در اینجا لازم به تأکید است که اگر قطعنامه‌ای ذیل فصل هفت نگارش نشود به این معنا نیست که الزام آور نیست، زیرا کلیه تصمیمات شورای امنیت که ذیل ماده ۲۵ به تصویب می‌رسند نیز الزام آورند. البته طبق بند ۲۴ پیوست ۵ برجام، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت،

جمهوری اسلامی ایران را پس از سپری شدن ۱۰ سال از دستور کار شورای امنیت خارج می‌کند و شورای امنیت دیگر به موضوع هسته‌ای ایران نخواهد پرداخت. بایستی اشاره کرد که عده‌ای بر این باورند که قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران از جمله قطعنامه ۱۹۲۹ ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم بوده است. در قطعنامه ۲۲۳۱ از ۳۰ بند آن، ۱۰ بند ذیل ماده ۴۱ از فصل هفتم است. لذا تفاوتی بین قطعنامه ۲۲۳۱ و ۱۹۲۹ نیست (نصری، ۱۳۹۴: ۲۸۰).

قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت دارای مقادی است که ذیل فصل هفتم، یعنی همان ۱۰ بند، معنا می‌یابد و سایر بندها دارای چنین الزامی نیستند مگر بندهایی که به صراحت به ماده ۴۱ منشور اشاره کرده‌اند و در این نوع کاربرد، شورای امنیت تعمدی داشته است که قابل توجه بوده و دارای آثار حقوقی خاص خود در زمان تفسیر و اجراست.

واقعیت آن است که در هیچ سندی، سراغ نداریم که به صراحت به حق غنی‌سازی به منزله یکی از حقوق اولیه (و نه اصل حق فعالیت مسالمت آمیز)، اشاره شده باشد، در حالی که در برجام کسی نمی‌تواند انکار کند که حداقل به طور ضمنی، حق بر غنی‌سازی برای دولت ایران به رسمیت شناخته شده است. شاید یکی از دلایل نگرانی برای این است که دولت‌های دیگر در حال توسعه با دولت‌های منطقه یا حتی در خارج از آن به دنبال مطالبه چنین حقی باشند. لذا اشاره می‌شود که این قطعنامه یا برجام احتمالاً هیچ رویه‌ای را درباره اصول یا رویه‌های بین‌المللی ایجاد نمی‌کند. بر همین اساس، سایر کشورها از برخورداری از روی حقوقی مربوط به ایران در زمینه حقوق هسته‌ای منع شده‌اند و این نمایانگر آن است که ایستادگی مردم یک کشور، چگونه می‌تواند دیگران را به تمکین در برابر خواسته‌های آن ملت مجبور کند. از سوی دیگر وقتی قطعنامه‌ای ذیل ماده ۲۵ به تصویب می‌رسد لازم الاجراست. در این

راستا نکته مهم، واکنش به نقض قطعنامه است که ارزش این بحث را مشخص می‌کند. برای روشن شدن موضوع به صبغه تاریخی مشابه این موضوع اشاره خواهد شد. سابقه‌ای که در این خصوص می‌توان به آن اشاره کرد قطعنامه‌ای است که بعد از فجایع کوزوو ذیل فصل هفت نگارش و متعاقباً تأیید شد. نکته درخور توجه در این قطعنامه آنجاست که وقتی قطعنامه توسط به زور در کوزوو به رأی گذاشته شد با تهدید وتوی روسیه مواجه شد. بعد از این و تو، دولت‌های غربی به ویژه اعضای ناتو با این استدلال که قطعنامه سابق ذیل فصل هفت صادر شده و شورا وضعیت کوزوو را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی در نظر گرفته است، اقدام

به حمله به کوزوو کردند. شاید نگرانی هیئت ایرانی و تلاش آن‌ها برای خروج از فصل هفتم همین بوده‌است که اگر روزی به هر دلیلی ایران متهم به نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شد، مستمسکی برای رفتاری مشابه کوزوو در خصوص ایران به دست نیاید.

در نهایت نتیجه این شد که قطعنامه ۲۲۳۱ قطعنامه‌ای لازم الاجراست، اما نقض آن با واکنشی مثل نقض قطعنامه‌های ذیل فصل هفت مواجه نخواهد شد.

ماهیت قطعنامه ۲۲۳۱ با همه قطعنامه‌های مشابه شورای امنیت تفاوت دارد، زیرا این قطعنامه فنی در محیطی غیر متشنج به تصویب رسید، به علاوه اینکه مخالف چندانی نیز نداشت. قطعنامه ۲۲۳۱ قطعنامه‌ای طویل با ۱۰۴ صفحه است که در ضمیمه اول خود مسائل مربوط به بیانیه و در ضمیمه دوم مسائل مربوط به محدودیت غنی سازی و برنامه موشک‌های بالستیک ایران را بررسی کرده است. بنابراین در این قطعنامه به این مسئله اشاره شده است که سخت‌ترین سازوکار نظارتی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران و اطمینان یافتن از ماهیت صلح آمیز برنامه هسته‌ای این کشور طبق برجام انجام خواهد شد. قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل در حقیقت پاسدار اجرای برجام محسوب می‌شود (ملاً کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱-۹).

قطعنامه ۲۲۳۱ در تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۱۵ صادر شد و هدف آن تأیید مفاد برجام، خاتمه دادن به قطعنامه‌های تحریمی پیشین و ایجاد برخی محدودیت‌های خاص از جمله محدودیت‌های نظامی است. طبق بخش نخست بند هفتم قطعنامه، تمام قطعنامه‌های مرتبط پیشین با تأیید آژانس در خصوص صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران در روز اجرای توافق لغو خواهند شد. بدین ترتیب، تحریم‌های تسلیحاتی نیز لغو می‌شوند، مگر اینکه طبق سازوکار بندهای یازدهم و دوازدهم تحریم‌های پیشین دوباره تحمیل شوند. براساس بخش دوم بند هفتم، یکسری محدودیت‌ها طی مواعد زمانی خاص تا روز اختتام کامل تحریم‌ها توسط شورای امنیت و حذف پرونده هسته‌ای ایران از دستور کار شورا که مدت آن ده سال یا به تأیید آژانس کمتر از ده سال هم خواهد بود (بند هشتم قطعنامه)، در پیوست دوم تحت عنوان بیانیه «پیش بینی شده است» (عابدینی، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

شرایط خروج از معاهده

یکی از مسائل و موضوعات مطروحه در زمینه معاهدات بین‌المللی نحوه اختتام، فسخ یا خروج از آنها است. سؤال مهم این است که در چه صورتی معاهدات خاتمه یافته، فسخ می‌شوند

و یا طرفهای متعاقد خروج خود را از آن اعلام می‌کنند. در این زمینه بر اساس موضوعاتی چند می‌توان خاتمه معاهدات را مورد بررسی قرار داد. مواردی که بر اساس آن می‌توان معاهدات را به هر صورتی خاتمه داد عبارتند از؛

- ۱- انقضای مدت معاهدات (بند الف ماده ۵۴ حقوق معاهدات)؛
- ۲- ذکر شرط فسخ کننده در معاهده (ماده ۵۵ حقوق معاهدات، اگر در حین اجرای معاهده شرطی محقق شود مانند کاهش کشورهای متعاقد در یک معاهده چند جانبه)؛
- ۳- شرط فسخ (عمل حقوقی یک جانبه که در معاهده پیش بینی می‌شود)؛
- ۴- پایان معاهده بر اثر اجرای آن؛
- ۵- اجماع و توافق طرفهای متعاقد؛
- ۶- خاتمه در اثر انعقاد معاهده دیگر؛
- ۷- نقض ماهوی معاهده (ماده ۶۰ حقوق معاهدات)؛
- ۸- وقوع شرایطی که اجرای معاهده را غیر ممکن می‌کنند (فورس ماژور - ماده ۶۱ حقوق معاهدات)؛
- ۹- تغییر در اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده (ماده ۶۲ حقوق معاهدات)؛
- ۱۰- قطع رابطه دیپلماتیک یا کنسولی (جز در مواردی که وجود روابط دیپلماتیک یا کنسولی برای اجرای معاهده اجتناب‌ناپذیر باشد، قطع رابطه دیپلماتیک یا کنسولی بین طرفهای معاهده تأثیری در روابط حقوقی آنها که بموجب معاهده برقرار شده است، نمی‌گذارد)؛
- ۱۱- پیدایش قاعده آمره جدید در حقوق بین‌الملل که معاهده با آن در تضاد باشد (ماده ۶۵ حقوق معاهدات)؛

۱۲- مخاصمه مسلحانه یا جنگ؛ (<https://donya-e-eqtesad.com>).

بر اساس حقوق بین‌الملل و حقوق معاهدات توافقنامه هسته‌ای میان ایران و کشورهای ۵+۱ را می‌توان معاهده بین‌المللی خاص، رسمی، چندجانبه و معاهده از نوع قرارداد خاص دانست که کلیه مراحل انعقاد و اجرائی شدن یک معاهده بین‌المللی را دارا بوده و توسط حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است.

در این نوع معاهدات برای خروج و یا خاتمه آن شرایط خاصی در حقوق معاهدات پیش‌بینی شده که در این مورد هیچ کدام از آنها محقق نشد. اعلام خروج ایالات متحده از این معاهده بین‌المللی بیشتر بر مبنای تفسیر یک جانبه این کشور از توافق هسته‌ای صورت گرفت.

که به نظر می‌رسد با سوء نیت نیز همراه بود. در حالی که سایر طرف‌های متعاقد در توافق هسته‌ای بر پایبندی ایران بر این معاهده تأکید داشتند و خواستار اجرای آن هستند، ایالات متحده بر عدم پایبندی ایران به توافق اصرار ورزیده و در نهایت خروج خود را اعلام نمود.

تبعات حقوقی - سیاسی خروج آمریکا از برجام

دونالد ترامپ در هشتم ماه مه از توافقنامه هسته‌ای ایران که در سال ۲۰۱۵ بین این کشور و پنج عضو دائم شورای امنیت به اضافه آلمان منعقد شده بود، خارج شد. رئیس جمهوری آمریکا پیش از آن از امضا کنندگان این توافقنامه به ویژه اروپایی‌ها خواسته بود برای تغییر در تاریخ سررسید توافقنامه از سال ۲۰۲۵ و همچنین برای گنجاندن محدودیت‌هایی بر برنامه‌های (موشکی) بالیستیک ایران با تهران وارد مذاکره شوند.

جیمی چالک محقق حقوق بین‌الملل بر این باور است که: «برجام، یک تعهد حقوقی غیر الزام آور است»؛ این در حالی است که برخی معتقدند قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، برجام را برای دولت فعلی، الزام آور می‌کند تمامی امضا کنندگان این توافقنامه با درخواست‌های آمریکا مخالفت کردند. از نظر امضا کنندگان توافقنامه هسته‌ای ایران، مادامی که این کشور به تعهدات خود در قبال قطعنامه عمل کرده و این مسئله بارها توسط سازمان بین‌المللی انرژی اتمی تأیید شده است، هیچ دلیلی برای لغو توافقنامه و یا بازنگری در آن وجود ندارد.

آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان خاطر نشان کرد، "تمامی اعضای اتحادیه اروپا می‌دانند که این توافقنامه کامل نیست اما ما باید در توافقنامه باقی بمانیم و به مذاکره با ایران در خصوص سایر مسائل از جمله موشک‌های بالیستیک ادامه دهیم. آمریکا با خروج از توافقنامه هسته‌ای ایران تحریم‌های اقتصادی خود علیه ایران را مجدداً فعال و تجارت این کشور با واحد پولی دلار را ممنوع اعلام کرد (<https://www.tsa-algerie.com>).

برداشتن ممنوعیت حقوقی شورای امنیت بر فعالیت موشکی بالستیک از سوی ایران و گره‌گشایی و گشایش از موضوع هسته‌ای می‌توانست به منزله پیروزی قابل ملاحظه‌ای برای ایران در روند برنامه اقدام جامع مشترک نگرین شده. به طور کلی، موضوع موشک بالستیک و نظارت شورای امنیت در قطعنامه‌های چندجانبه قبلی که براساس آن‌ها، ایران برنامه غنی‌سازی اورانیوم را به تعلیق افکند، می‌تواند نمادی از عقب نشینی شورای امنیت از مواضع قبلی‌اش در خصوص ایران باشد (Joyner, 2016: 240-242). در این میان خروج یک طرفه

آمریکا از برجام پیامدهایی را برای این کشور به همراه خواهد داشت که به طور خلاصه به آن می‌پردازیم:

شکایت حقوقی ایران از اقدامات آمریکا در دادگاه بین‌المللی لاهه:

به دنبال تصمیم ترامپ برای خروج از برجام و اقدامات دولت آمریکا که به اقتصاد ایران آسیب می‌رساند، ایران روز دوشنبه ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸ پرونده شکایت از تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر از سرگیری اقدامات آمریکا علیه ایران را در دادگاه بین‌المللی دادگستری، ارگان قضایی سازمان ملل واقع در شهر لاهه هلند گشود. موضوع این شکایت، نقض معاهده دوستی، تجارت و حقوق کنسولی (موسوم به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده آمریکا) امضا شده از سوی نمایندگان دو طرف در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۵۵ میلادی مصادف با ۲۳ مرداد ۱۳۳۴ شمسی در تهران است. در واقع این شکایت در پی خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران در ۸ مه ۲۰۱۸ میلادی طرح شده است. با این اقدام آمریکا مجموعه‌ای از تحریم‌ها و محدودیت‌ها بطور مستقیم و غیرمستقیم علیه ایران و شرکت‌ها و اتباع ایران به اجرا گذاشته شده است؛ تحریم‌هایی که پیش از این مقامات آمریکا در چهارچوب توافق برجام با حذف آنها موافقت کرده بودند (<http://fa.euronews.com>). با توجه به اینکه این اقدام آمریکا از لحاظ حقوق بین‌الملل غیر قانونی و نادرست است ایران در دادخواست خود در دادگاه لاهه مطرح کرده است که واشنگتن، ایران را با پیامدهای گسترده‌ای برای مردم محاصره شده، تحت محاصره اقتصادی قرار داده است. ایران همچنین درخواست دارد که این دادگاه تا هنگام صدور رأی نهایی در مورد این پرونده، از آمریکا بخواهد که فوراً به همه اقدامات ممکن برای تضمین به تعلیق درآمدن اجرای تحریم‌های هشتم مه (۱۸ اردیبهشت ماه) دست بزند (<https://ir.sputniknews.com>).

بنابراین پیرو ثبت شکایت دولت جمهوری اسلامی ایران علیه دولت ایالات متحده آمریکا به دلیل اعمال مجدد تحریم‌های غیرقانونی یکجانبه علیه جمهوری اسلامی ایران و درخواست از دیوان برای صدور قرار موقت، دیوان بین‌المللی دادگستری قرار موقت خود را به اتفاق آراء صادر و طی آن، ضمن احراز صلاحیت خود برای رسیدگی به این دعوا و اینکه قرار صادره الزام آور و لازم‌الاتباع بوده و موجد تعهدات بین‌المللی برای مخاطبین آن می‌باشد، اعلام کرد که دولت ایالات متحده ملزم است طبق تعهدات بین‌المللی خود وفق عهدنامه ۱۳۳۴ مودت، روابط

اقتصادی و حقوق کنسولی، موانع ناشی از اقداماتش به موجب تصمیم ۸ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) در ارتباط با صادرات اقلام بشردوستانه به ایران از جمله دارو، تجهیزات پزشکی، مواد غذایی، لوازم کشاورزی، قطعات یدکی هواپیماهای مسافربری و خدمات فنی مورد نیاز آن را برطرف کند.

دیوان هم چنین ایالات متحده آمریکا را ملزم کرده است تضمین کند تا مجوزهای لازم برای موارد مشمول در بند فوق را صادر و پرداختها و معاملات مربوط به آنها انجام شود (<https://www.isna.ir>).

در حقیقت اقدام ایران برای کشاندن ایالات متحده به دیوان دادگستری بین‌المللی، یک پاسخ قانونی و مسالمت آمیز در چارچوب منشور سازمان ملل متحد به اقدام ترامپ و گام حقوقی ایران در جهت احقاق حقوق ملت ایران بود.

بی اعتمادی به راهکار دیپلماسی:

نقض یکجانبه توافق هسته‌ای که با تصویب شورای امنیت به سندی بین‌المللی بدل شد، حاصلی جز انزوای آمریکا در سطح نظام بین‌الملل و بی‌اعتمادی دیگر کشورها به دیپلماسی نخواهد داشت و نظام منع گسترش تسلیحات هسته‌ای را که سال‌ها برای آن تلاش شده است، تضعیف خواهد کرد.

همچنین سیاست عهد شکنانه آمریکا در قبال برجام، امید به کارآمدی راهکار دیپلماسی برای حل بحرانهای هسته‌ای سایر کشورها را از بین خواهد برد. نقض برجام از سوی واشنگتن که به عنوان سند بین‌المللی مورد تأیید و تضمین قدرت‌های جهانی قرار گرفته، عملاً امید به راهکار سیاسی برای حل بحران کره شمالی را نیز به یاس مبدل کرده است (<http://iuvmprss.com>). در حقیقت بعد از نشست تاریخی و بین‌المللی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و کیم جونگ اون رهبر کره شمالی، سخنگوی وزارت امور خارجه کره شمالی نتیجه مذاکرات را بسیار نگران‌کننده ارزیابی کرد و آمریکا را متهم کرد به اینکه خواسته‌های طمع‌کارانه دارد، زیرا به طور یک‌جانبه به دنبال خلع سلاح اتمی کامل، غیرقابل بازگشت و قابل راستی‌آزمایی کره شمالی است (<https://www.eghtesadnews.com>).

این پیامی بود که در مورد پرونده هسته‌ای ایران نیز آن را دریافت کردیم، در حالی که این کشور بر اساس گزارشات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تمام تعهدات خود برای عدم

دستیابی به سلاح اتمی عمل کرد اما تنها با عدم پایبندی آمریکا به تعهداتش روبرو شد (<http://qodsna.com>).

کیم جونگ اون رهبر کره شمالی همچنین بر این باور است که آمریکا تلاش می‌کنند مردم را با تحریم‌ها سرکوب کند. او تحریم‌های آمریکا را نوعی راهزنی و دشمنی با مردم کشورش خواند و هدف از تحریم‌ها را بستن راه تنفس مردم عنوان کرد. پیونگ‌یانگ پیش از این نیز هشدار داده بود تلاش‌های برخی مقامات آمریکایی برای افزایش تحریم‌ها، باعث توقف غیرهسته‌ای شدن شبه‌جزیره کره می‌شود (<http://fa.alalam.ir>). این نتیجه سیاست‌های بدعهدی آمریکا در جهان است، که کره شمالی را به این نتیجه رسانده که بهترین راه ایستادگی در مقابل واشنگتن ایجاد بازدارندگی اتمی است.

همراه نشدن اروپا با سیاست‌های آمریکا:

به دنبال وضع مجدد تحریم‌های آمریکا علیه ایران، اروپایی‌ها در برابر دونالد ترامپ صف آرایی می‌کنند. روزنامه بلوار اکسپریور در مقاله‌ای به قلم فرانسوا نیکولو سفیر سابق فرانسه در ایران، به بررسی صف آرایی اروپایی‌ها علیه تصمیم دونالد ترامپ مبنی بر تحریم ایران پرداخت. در این مقاله آمده است: تحریم‌های آمریکا که با عقد توافقنامه ۱۴ ژوئیه سال ۲۰۱۵ لغو شده بود، مجدد وضع شد. تمامی کسانی که با ایران وارد تجارت شده بودند، در پی وضع مجدد تحریم‌ها سه الی شش ماه فرصت دارند، همکاری‌های خود با این کشور را قطع کنند. در گذشته فقط آمریکایی‌ها از تجارت با ایران ممنوع شده بودند، اما امروز همه از تجارت با ایران منع شده‌اند. هیچ کس حق سرمایه‌گذاری در ایران را ندارد و نمی‌تواند از این کشور کالایی خریداری کرده و یا به آن کالایی بفروشد.

بیش از هزار شرکت آلمانی در ایران فعالند و بیش از ۱۰ هزار آلمانی در این کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. ایتالیایی‌ها نیز در ایران فعال هستند و شرکت‌های فرانسوی پژو، رنو، توتال و چند شرکت دیگر در ایران مشغول به کار هستند. اتحادیه اروپا خریدار ۴۰ درصد نفت ایران است. شرکت ایرباس نیز به تازگی ۱۰۰ فروند هواپیما به ایران فروخته است. اما امروز با وضع تحریم‌های آمریکایی، تمامی این فعالیت‌ها و قراردادهای متوقف می‌شوند (<https://www.boulevard-exterieur.com>).

اروپایی‌ها در اولین واکنش نسبت به بازگشت تحریم‌ها آن را «غیرقابل قبول» خواندند. واکنش دوم آن‌ها بررسی راه‌های مقابله با این تصمیم بود. آن‌ها در گذشته دو بار با چنین وضعی مواجه شده بودند. در زمان رونالد ریگان رئیس جمهوری سابق آمریکا، اتحادیه اروپا با ۹ عضو در برابر اقدام آمریکایی‌ها برای جلوگیری از ساخت خط لوله گازی سیبری-اروپا مقاومت کرده و پیروز شدند. در زمان بیل کلینتون رئیس جمهوری پیشین آمریکا نیز ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا موفق شدند از قانون منع سرمایه گذاری در بخش نفت ایران مستثنی شوند. اروپایی‌ها برای جلوگیری و یا ریشه کن کردن تکرار چنین اتفاقاتی، قانونی را به تصویب رساندند تا با تکیه بر این قانون محدودیت‌های فرامرزی تصمیمات آمریکا را از میان ببرند. اما امروز اوضاع بسیار پیچیده‌تر شده است. تعداد اعضای اتحادیه اروپا دیگر ۹ و یا ۱۵ عضو نیست. اتحادیه اروپا هم اکنون ۲۸ عضو دارد. جهانی سازی نیز در این مدت گسترش یافته است. امروزه شرکت‌های اروپایی زیادی در آمریکا منافع دارند و از این رو مطیع قوانین آمریکا هستند. آمریکایی‌ها در ساخت بیشتر تجهیزات پیچیده دخیل هستند و لذا ساخت ۱۰ درصد از این تجهیزات نیز تحت تأثیر قوانین آمریکایی قرار گرفته است. از طرف دیگر ۸۰ درصد معاملات جهانی به ویژه خرید و فروش نفت با دلار انجام می‌گیرد و به همین دلیل معاملات جهانی نیز ممکن است تحت الشعاع تصمیم آمریکایی‌ها قرار بگیرد. بانک‌های بزرگ اروپایی از ترس مجازات‌های آمریکا، حتی وقتی می‌توانند با ایران همکاری کنند، از همکاری با این کشور خودداری می‌کنند (<https://www.boulevard-exterieur.com>).

افزایش رقابتهای تسلیحاتی در خاورمیانه:

خروج یک جانبه آمریکا از برجام، خطر رقابت تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه و حتی فراتر از آن را افزایش داده و در نتیجه به نقض قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و تضعیف هر گونه تلاش برای ممانعت از گسترش سلاح‌های هسته‌ای از طریق دیپلماسی چند جانبه، منجر می‌شود. در واقع، چنین وضعیتی به معنای نفی نقش سازمان ملل متحد به عنوان یک میانجی در برقراری صلح و امنیت بین‌المللی و نادیده گرفتن حقوق بین‌الملل به عنوان رکن اصلی روابط بین کشورهای مستقل می‌باشد (<https://www.ifri.org>).

بی اعتبار شدن وجهه واشنگتن:

خروج آمریکا از برجام به اعتبار واشنگتن صدمه زد، اما این به معنای آن نیست که جهان پس از آن به آمریکا پشت کند. قدرت مسلط جهان آمریکاست و جهان با اخلاق و عدالت اداره نمی‌شود. اصولاً در صحنه سیاست و نظام بین‌الملل عدالت معنا ندارد و تنها فاکتور تعیین کننده در معادلات، قدرت و مجموعه ظرفیت‌های کشورها است. از این منظر آمریکا استثناست. با این وجود در بلند مدت ظهور یک چین یا اروپای قدرتمند می‌تواند برای آمریکا چالش ایجاد کند که تا رسیدن به آن مرحله باید خیلی تحولات روی دهد. ایران تا قوی نشده و سیاست چندوجهی و درب‌های گشوده با همه را در سیاست نگشاییم، از بحران و معضلات رهایی نخواهیم یافت (<http://www.irna.ir>).

تضعیف مناسبات فراتلانیکی و از دست رفتن نفوذ آمریکا در اروپا:

نکته قابل توجه اینکه واکنش اروپا برهنگونه خروج آمریکا از توافق هسته‌ای به چند دلیل بسیار حائز اهمیت است؛ این دلایل به طور خلاصه عبارتند از:

اول: مخالفت سه کشور اروپایی شامل فرانسه، آلمان و انگلیس با خروج از توافق هسته‌ای و ادامه پایبندی به آن به معنی طلاق سیاسی با آمریکا و به عبارت دقیق‌تر دولت ترامپ است و شکاف بزرگ در جبهه غرب را به دنبال خواهد داشت که حاصل آن از دست رفتن بخش زیادی از نفوذ آمریکا در اروپا و افزایش انزوای جهانی آن خواهد بود زیرا بیشتر کشورهای دنیا ترجیح می‌دهند توافق هسته‌ای ادامه داشته باشد و از رویارویی اجتناب دارند.

دوم: حمایت اروپا از آمریکا و خروج از توافق هسته‌ای به معنی فروپاشی توافق و حمایت از گزینه‌های سیاسی و چه بسا نظامی ترامپ علیه ایران باشد که در این صورت بازگشت تحریم‌ها علیه ایران با شدت بیشتر رقم خواهد خورد و شاید تا لغزش به سمت رویارویی نظامی پیش برود.

سوم: روسیه و چین در کنار ایران خواهند بود و همکاری نظامی و فناوری با آن را افزایش می‌دهند زیرا خروج از توافق هسته‌ای محدودیت هرگونه همکاری با ایران را از بین می‌برد و در این خصوص شاهد بودیم که روسیه موشک‌های اس ۳۰۰ را تا زمان امضای توافق هسته‌ای تحویل تهران نداد.

چهارم: لغو توافق و یا خروج آمریکا از آن موجب تقویت محافظه کاران در ایران و تضعیف میانه روها خواهد شد و اعتبار آمریکا به عنوان یک ابرقدرت و احترام به توافق‌هایی که امضا کرده است، کاهش می‌یابد و به این ترتیب همبستگی بین المللی با ایران افزایش یافته و انزوای آمریکا عمیق‌تر می‌شود و یا به عبارت بهتر دست کم دولت کنونی آمریکا منزوی‌تر می‌شود (<https://article.tebyan.net>).

تأثیر تصمیم ترامپ بر منطقه خاورمیانه:

نقض برجام از سوی آمریکا، بر مسائل منطقه‌ای نیز تأثیر خواهد گذاشت و مسیر همکاری‌ها بین ایران و واشنگتن را ناهموار می‌کند به عبارت دیگر نتیجه تصمیم آمریکا مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای برای منطقه خاورمیانه به ویژه خلیج فارس بسیار مهم است. خروج آمریکا به طور کلی از توافق هسته‌ای به دنبال جنگ سیاسی و اقدامات تحریک آمیز علیه ایران است با این هدف که بار دیگر ایران را با تحریم اقتصادی روبه رو سازد که این به معنی اعلام جنگ و تشکیل ائتلاف سیاسی و نظامی علیه ایران خواهد بود که کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و پیش از همه عربستان، امارات و بحرین نوک پیکان منطقه‌ای آن خواهند بود. البته خوی متغیر و بی ثباتی او با تأیید و حتی تحسین برخی کشورهای عرب خلیج فارس روبه رو می‌شود که دلیل آن دشمنی مداوم آنان با ایران است (<http://iuvmpr.com>).

به هر حال در این صورت آمریکا خود را همزمان در دو جبهه هسته‌ای در جنگ خواهد دید: کره شمالی و ایران که این وضعیت موجب نزدیک شدن دو کشور و تبادل تجارب و هماهنگی در تمام زمینه‌ها با حمایت روسیه و چین خواهد شد.

نتیجه گیری

از نگاه حقوق بین الملل برجام یک وفاق و قرارداد بین المللی است و فارغ از اینکه بخواهیم آن را در قامت یک معاهده بین المللی تلقی کنیم یا خیر، به هر حال این توافق نتیجه مذاکرات بین المللی طولانی مدت بوده است و این در حالی است که از نگاه حقوق سازمان‌های بین المللی برجام به قطعنامه شورای امنیت تبدیل شده است. به عبارت دیگر برجام یک رژیم حقوقی بین المللی ایجاد کرد که مبنای اصلی آن بر حسن نیت و احترام متقابل به طرفین استوار است که این مهم با خروج دولت ترامپ کاملاً در عمل نقض شده است.

نقض برجام، با عنایت به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، موجب به وجود آمدن مسئولیت دولت ناقض بخاطر تعهد در قبال تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل می‌باشد. مواد ۲۵ منشور سازمان ملل تمامی اعضای ملل متحد را مشمول تعهد به همکاری با تصمیمات شورای امنیت نمود و در موارد مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی، حتی کشورهای غیر عضو سازمان ملل را نیز موظف به اجرای تصمیمات شورای امنیت نموده است. براساس مفاد ماده ۴۲ و ۴۸ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل با این اقدام صورت گرفته از جانب ترامپ تعهد عام‌الشمول نسبت به کلیت جامعه بین‌المللی در معرض تهدید قرار گرفته، جامعه بین‌الملل اعم از سازمان ملل متحد و حتی دولت‌هایی که مستقیماً در این توافق دخالت داشتند ذینفع در حفظ و پاسداشت توافق مذکور هستند و امروز باید شاهد این باشیم که ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل برای مقابله با اقدام خودسرانه به کار گرفته شود. در حقیقت بی‌اعتباری معاهدات جهانی، تهدید عام‌الشمول جامعه بین‌المللی نسبت به تعهد دولت‌ها، بی‌اعتمادی بین‌المللی، عدم ضمانت اجرا در اصول حاکم بر سازوکارهای منشور سازمان ملل متحد آسیبی است که عهد شکنی آمریکا برای جامعه حقوقی بین‌المللی به ارمغان آورد، رفتاری که دیگر بار به اعتبار و جایگاه بین‌المللی این کشور آسیب جدی و جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.

ماده ۳۵ به هریک از دولت‌ها این اختیار را می‌دهد که در مقابل وضعیتی که حادث شده است و می‌تواند زمینه تهدیدی در صلح و امنیت باشد وارد عمل شوند. به نظر می‌رسد در اینجا باید نظام حقوقی جامعه بین‌المللی و نظام سازمان ملل متحد تلاش کنند و در قبال بی‌اعتنایی آمریکا نسبت به موازین حقوق بین‌الملل که در چارچوب سازوکارهای تعریف شده در منشور سازمان ملل متحد است؛ اقدام کنند چرا که ماهیت سند برجام کاملاً ارتباط مستقیم با مفهوم تهدید صلح و امنیت بین‌المللی دارد که در حقوق بین‌الملل یک قاعده آمره بین‌المللی است. به واقع ترامپ ناخواسته با اتخاذ چنین رفتاری عاملی مشروعیت‌بخش برای رفتارهای حقوقی و سیاسی ایران در ساختار نظام بین‌الملل خواهد شد. ضمن آنکه خروج آمریکا و مشخصاً ترامپ از برجام دست ایران را برای اقدام متقابل باز می‌گذارد.

به طور کلی نقض برجام علاوه بر اینکه می‌تواند تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی باشد بی‌اعتمادی کشورها به گفت و گو در حل بحران‌ها، تضعیف پیمان منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای، تشدید تنش‌های منطقه‌ای، بی‌اعتباری معاهدات بین‌المللی و تشدید مسابقه تسلیحاتی نیز از تبعات زیر پا گذاشتن برجام از سوی ایالات متحده آمریکا است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۴/۷/۲۱). متن طرح اقدام متناسب دولت در اجرای برجام.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۵/۱/۲۹). متن کامل اولین گزارش وزارت امور خارجه به مجلس درباره اجرای برجام.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۵/۵/۲۶). متن کامل اولین گزارش وزارت امور خارجه به مجلس درباره اجرای برجام.
- دپارتمان حقوقی، (۱۳۹۷). منشور سازمان ملل متحد - اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، بابلسر: کتاب آوا.
- دلخوش، علیرضا (۱۳۹۰). *مقابله با جرائم بین‌المللی، تعهد دولتها به همکاری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.*
- دلخوش، علیرضا (۱۳۹۶). «برجام و پسا برجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم، شماره ۱.
- رضایی پیش رباط، صالح (۱۳۹۵). *دستاوردهای حقوقی برجام، برجام: سیاست‌ها دستاوردها و الزامات، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.*
- سادات میدانی، حسین (۱۳۹۴). «برجام سندی داوطلبانه و غیرالزام آور»، *دیپلماسی ایرانی*، یکشنبه ۱۵ شهریور.
- سند برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)
- فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۴). *بررسی ابعاد حقوقی برجام در نظام جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۹۴/۶/۱۰.*
- عابدینی، عبدالله (۱۳۹۵). «مقایسه تحریم تسلیحاتی علیه ایران در قطعنامه ۲۲۳۱ و قطعنامه‌های پیش از آن»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نوزدهم، شماره دوم.
- گزارش راهبردی، شماره ۳۱۹، مرکز تحریمهای اتحادیه اروپا علیه ایران: ابعاد، دلایل و پیامدها.
- ملأ کریمی، امید؛ جلالی، محمود؛ رئیسی، لیلا (۱۳۹۶). «تحلیل حقوقی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و بررسی رابطه آن با برجام»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، شماره ۴.
- ملأ کریمی، امید؛ جلالی، محمود (۱۳۹۴). «ماهیت برجام از منظر حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، شماره ۱.

نصری، محسن (۱۳۹۴). شکوه ملی در فن آوری هسته‌ای، اصفهان: حدیث راه عشق.

(ب) منابع انگلیسی

- Center of Science and Education.
Implementation of the NPT Safeguards Agreement and relevant provisions of Security Council resolutions in the Islamic Republic of Iran Report by the Director General, GOV/2011/65Date: 8 November 2011
Instruments”, Journal of Politics and Law, Vol. 9, No. 3, Published by Canadian
Mardani, N. & Hooshmand, M.M (2016) “JCPOA: A Dialectical Paradigm of Treaty and other International
Nader Marandi & Mohammad Mehdi Hooshmand, (2016), "JCPOA; A Dialectical Paradigm of Treaty and other International Instruments", Journal of Politics and Law, Vol.9, No. 3, Published by Canadian Center of Science and Education, 2016.3.ICJ, ۲۰۱۴ New York Times, 14 July
<http://iuvmpress.com/fa/2093>
<http://www.irna.ir/fa/News/82924945>
<https://article.tebyan.net/423264>
<https://donya-e-eqtasad.com>
<https://www.boulevard-exterieur.com/Trump-l-Iran-l-Europe-la-revolte-des-agneaux.html>
[https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/gomart et al l amerique ne se resume pas a trump 2018.pd](https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/gomart_et_al_l_amerique_ne_se_resume_pas_a_trump_2018.pd)
[https://www.tsa-algerie.com/iran-gaza-commerce-leurope-et-les-etats-unis-au-bord-de-la-rupture/.](https://www.tsa-algerie.com/iran-gaza-commerce-leurope-et-les-etats-unis-au-bord-de-la-rupture/)
Statement by France, Germany, United Kingdom, United States and the High Representative of the European Union for Foreign Affairs and Security Policy on Post-JCPOA Business with Iran", Bruxelles, 19/05/2016,
https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/2788_en
<https://www.eghtesadnews.com>
<http://qodsna.com/fa/313455>
<http://fa.alalam.ir/news>
<https://ir.sputniknews.com/world/2018>
<http://fa.euronews.com/2018/07/18/iran-international-court-of-justice-instituted-proceedings-against-the-united-states-nucl>
<https://www.isna.ir/news/97071106566/>